هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

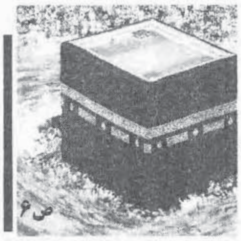
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی وسوم ۲۳ عقرب- ۱۳۸۸ - ۲٦ ذو القعده ۱٤۳۰
١٤ Nov ٢٠٠٩

سرمقاله

کمک پنج ملیارد دالری جاپان برای افغانستان ومشورهٔ برای زمامداران

ص۲



درس هایی از حج

ص۶

با موجودیت یک حکومت فاسد افزایش نیروهای خارجی نمی تواند کارساز باشد

وحیدمژده

مدت هاست که در مورد استراتژی جدید امریکا برای افغانستان سخن در میان است. اوباما از ماهها به اینطرف مشغول مشوره و تبادل نظر با مقامات نظامی و غیرنظامی امریکا بوده است و این درنگ و تامل چنین توجیه شده که اوباما نمی خواهد در مورد مسئلهء نهایت مهم که به جان سربازان امریکا در خارج رابطه دارد، با عجله تصمیم بگیرد.

جنرال ستانلی مک کرستال در گزارش خویش به قصر سفید تقاضای اعزام دهها هزار سرباز تازه نفس به افغانستان را نمود و تاکید کرد که اگر سربازان جدید به افغانستان اعزام نگردند، احتمال دارد ماموریت افغانستان به شکست مواجه گردد.

اکنون گفته می شود که استراتژآی جدید شکل نهائی بخود گرفته و قرار است بزودی اعلام گردد. در این استراتژی، ازدیاد سربازان جدید در نظر گرفته شده اما این تعداد کمتر از تعدادی است که مک کریستال تقاضای آنرا دارد.

در این رابطه ما شاهد اختلاف در نظریات دست اندرکاران امور افغانستان در امریکا هستیم. در حالیکه فرمانده نیروهای امریکائی تقاضای ازدیاد نیرو دارد، کارل ایکن بیری سفیر ایالات متحدهء امریکا در کابل و فرمانده سابق نیروهای امریکائی در افغانستان، با ازدیاد سربازان امریکائی مخالف است. وی به این باور است که تا زمانیکه حکومت جدید افغانستان در قسمت مبارزه با فساد جدیت بخرج ندهد و قدم های موثر برندارد، ازدیاد نیروی نظامی دردی را دوا نخواهد کرد. وی در مورد عزم و ارادهء حکومت جدید کرزی در مبارزه با فساد ابراز شک کرده است.

مسئلهء فساد اداری چه رابطه ای با ازدیاد نیروهای نظامی دارد؟ در این رابطه امریکائی ها به تجربهء جنگ ویتنام نظر دارند. در جریان آن جنگ، دولت امریکا از دولتی در سایگون حمایت می کرد که تا گلو غرق در فساد بود.

ادامه در ص۷



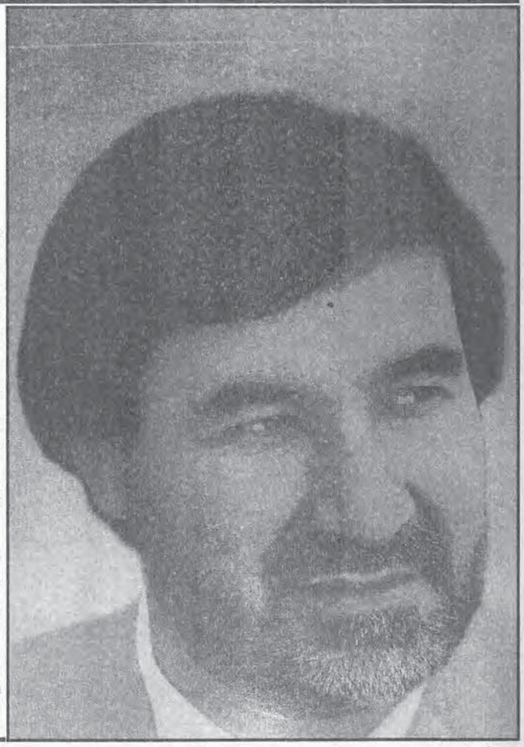
چالش های حاکمیت آیندهٔ آقای کرزی

ص۳

حکومت مشارکت ملی

ص۵

حادثهٔ المناک بغلان پس از دو سال همچنان در پردهٔ ابهام قرار دارد



دو سال پیش در پانزدهم عقرب سال ۱۳۸۶ ، حادثهٔ دلخراش تروریستی در ولایت بغلان به وقاع پیوست، در این حادثه حدود ۸۰ نفر به شهادت رسید، در میان شهدای که اکثریت آنان کودکان معصوم مکتب بودند، ۶ تن از نمایندگان شورای ملی قرار داشت. مصطفی کاظمی که آن زمان ریاست کمیسیون اقتصادی مجلس نمایندگان را به عهده داشت، در میان شهدای هیئت مجلس نمایندگان بود، شهید کاظمی سخنگوی جبهه ملی بود و با موضع گیری ها و تحلیل های شجاعانهٔ خویش جایگاه خاصی در میان سیاستمداران کشور به دست آورده و مورد احترام مردم بود، کاظمی در دوران مقاومت سهم درخشان داشت.

کاظمی به عنوان یک سیاستمدار دلسوز و آگاه اعتبار فراوانکسب کرد و مورد احترام مردم بود.

هیئت تحت ریاست شهید کاظمی جهت بررسی وضعیت موسسات اقتصادی کشور در ولایت بغلان سفر کرده بود، اما دریک حادثهٔ تروریستی که پس از گذشت دوسال تا کنون پاسخ روشنی در مورد آن وجود ندارد، به شهادت رسید.

با آن که در نتیجهٔ فشارهای مردمی و مجلس نمایندگان، دولت هیئتی را جهت بررسی حادثه و به محکمه کشانیدن عاملان آن توظیف نموده، اما تا هنوز نتیجهٔ کار این کمیسیون روشن نشده است. در گردهمایی که از سوی پارلمان به مناسبت شهادت کاظمی و همراهان وی برگزار گردید، آقای قانونی رئیس مجلس نمایندگان به علت عدم شفافیت در کار این کمیسیون، دولت را شدیداً مورد انتقاد قرار داد. همچنان صبغت الله مجددی رئیس مجلس سنا نیز با انتقاد از دولت گفت قوهٔ اجرائیه بنام است.

خانوادهٔ شهید کاظمی و خانواده های شهدای دیگر این حادثه، سازمان های سیاسی و تمام مردم افغانستان خواهان روشن شدن حادثهٔ تروریستی بغلان و به محاکمه کشانیدن عاملین آن می باشند.

برخی باور دارند که این حادثه یک جنایت سازمان یافته بوده، در پشت آن مافیای اقتصادی قرار دارد.

عدم بررسی جدی حادثهٔ تروریستی بغلان، ضعف حکومت را نشان داده که موجب ایحاد بی اعتمادی در میان گروه ها و شخصیت های سیاسی در برابر حکومت شده است.

اکنون که آقای کرزی ادعا می کند، پس از این به صورت جدی با فساد مبارزه نموده ویک ادارهٔ سالم و پاسخگو خواهد ساخت، باید کمیسیون مربوط را موظف بسازد، در اسرع وقت گزارش تحقیقات خود را به اطلاع خانواده های شهداء و مردم افغانستان برساند و عاملین اصلی این حادثهٔ غمناک را به پنجهٔ قانون بسپارد.

فشارهای خارجی بر مؤتلفین کرزی

ص۲

بحث در کاخ سفید
اعزام سربازان بیشتر به افغانستان

پنجشنبه هفته گذشته باراک اوباما با مشاوران خویش روی مساله اعزام سربازان بیشتر آن کشور به افغانستان جلسه مهمی مشورتی بر گزارکرد.

ژنرال دیوید پتریوس فرمانده نیروهای امریکایی مستقر در خاورمیانه در رابطه با این جلسه گفته است، امریکا به زودی تصمیم اعزام نیروهای بیشتر به افغانستان را خواهد گرفت. گوردن براون نخست وزیر انگلیس نیزاز این تصمیم امریکا خبر داده است.

امریکا که پس از پیروزی باراک اوباما همیشه از تغییر استراتیژی خویش درافغانستان سخن گفته، تا هنوز جزئیات کامل این تغییرات را روشن کرده است. اعزام سربازان بیشتر جزء عمده استراتژی جدید امریکا برای جنگ افغانستان خواهدبود. چندی پیش قسمت های از نامه جنرال مک کرستال فرمانده امریکا در افغانستان در رسانه ها انتشار یافت که در آن، اعزام ۴۰ تا ۵۰ هزار سرباز جدید تقاضا گردیده بود. مک کرستال دراین نامه گفته بود، درصورتی که نیروهای بیشتر به افغانستان اعزام نشود، خطر شکست درافغانستان جدی تر خواهد شد.

فکر می شود اوباما به اعزام شما کمتر نیرو به افغانستان موافقت خواهد کرد. اکنون ۶۸ هزار عسکر امریکا درافغانستان مشغول مبارزه با مخالفان



مسلح می باشند.

برخی از سیاست مداران امریکا از جمله بایدن معاون ریاست جمهوری، با افزایش نیروهای کشورشان درافغانستان مخالفت دارند. مخالفان اعزام نیروهای بیشتر، به وجود فساد گسترده در دولت افغانستان و نبود یک شریک قابل اعتماد در کابل اشاره دارند، همچنان احتمال شکست درافغانستان نیز، باعث سست شدن اراده رهبران امریکا در اعزام نیروهای بیشتر می گردد.

اخیرا سفیر امریکا درافغانستان با افزایش نیروهای امریکایی مخالفت کرده است. کارل ایکنبری در پیامی به دفتر ریاست جمهوری امریکا که متن آن به رسانه ها رسیده است. نسبت به موثریت افزایش نیروها اظهارتردید شده است. ایکنبیری گفته است دولت کرزی فاقد شایستگی بوده اعزام نیروهای بیشتر نظریه درستی نیست.

صاحب نظران باور دارند امریکا سرانجام افزایش نیروهایش را درافغانستان به عنوان یک گزینه گزیر ناپذیر در پیش خواهد گرفت. اما این سیاست نمی تواند برای حل بحران شورش درافغانستان راه حل قطعی به میان آورد.

کشورهای غربی از این موضوع غافل نیستند، یافتن راه سیاسی و ایجاد مصالحه با شورشیان طالب، به عنوان راه حل دیگر مورد توجه آنان است، چنانچه یک سند دولت انگلیس که اخیرا فاش شده از دولت کرزی خواسته است تا طی سه مرحله با طالبان صلح نموده و مشکل جنگ را حل کند. اما شماری از صاحب نظران صلح با طالبان را آسان تر از جنگ با آنان نمی دانند، طالبان رابطه نزدیک با القاعده داشته، خروج کامل نیروهای خارجی از افغانستان را به عنوان پیش شرط مصالحه مطرح میکنند.

پایان جنگ درافغانستان به عنوان یک هدف از سوی تمام نیروهای درگیر در مساله افغانستان عنوان می شود، اما راه کارهای متفاوتی برای رسیدن به آن مطرح می گردد و این تفاوت راه کار ها می تواند به پیچیدگی وضعیت بیفزاید.

فشارهای خارجی
متوجه موتلفین آقای کرزی است



پس از اعلان کمیسیون انتخابات مبنی بر برنده شدن کرزی در انتخابات ریاست جمهوری که با استقبال کشورهای خارجی روبرو گردید، همزمان با آن، فشار خارجیان و کشورهای مقتدر دنیا بر کرزی شدت یافت.

ظاهراً فکر می شود هدف فشارهای خارجی کرزی بوده، آن ها می خواهند وی نباید طبق خواست و میل خودش اعضای حکومت را تعیین کند و در آن کسانی را شامل سازد که مورد حمایت کشورهای غربی قرار ندارند. خارجیان به صورت مشخص مخالفت خود را با حضور به اصطلاح جنگ سالاران، اعلان نموده گفتند کرزی باید به صورت قاطع با فساد مبارزه کند، در زمینهٔ ساختن یک ادارهٔ سالم و حکومت داری خوب گام های موثری بردارد و از پارتی بازی دست بکشد.

طبق گزارش رسانه های امریکایی این مطالب در گفتگوی تلفونی اوباما با کرزی مطرح گردید. همچنان گوردون براون نخست وزیر انگلیس پس از کشته شدن ۶ تن از سربازان آن کشور در افغانستان عصبانی شد، و اظهار نمود، آماده نیست جان سربازان کشورش را به خاطر رژیمی در خطر اندازد که نمی تواند علیه فساد مبارزه کند.اما وقتی کای آیده نمایندهٔ سازمان ملل در افغانستان، با عبارات دیگری چنین درخواست ها را مطرح کرد، با واکنش دولت افغانستان روبرو شد و سخنگوی وزارت خارجه نمایندهٔ سازمان ملل را متهم کرد که پا از گلیم خویش فراتر نهاده است.

خارجیان از این بیم دارند که به علت ضعیف بودن موقعیت کرزی، رئیس جمهور افغانستان تحت تأثیر موتلفین نیرومند خویش قرار گیرد و حکومت آینده از افرادی تشکیل گردد که مورد پسند غربی ها نیستند. این کار می تواند سیاست های قدرت های بزرگ در افغانستان را با چالش مواجه سازد و حکومت های غربی را در برابر انتقاد شهروندان آن کشورها قرار دهد.

بنا بر این فشار خارجیان قبل از آن که متوجه کرزی باشد متوجه موتلفین وی است که موتلفین آقای کرزی با خاطر راحت به تقسیم غنیمت باد آوردهٔ پس از انتخابات به جان حکومت افغانستان بیفتند و از سهم جامعهٔ جهانی بکاهند.

به هرحال این سیاست جامعهٔ جهانی کرزی را شدیداً تحت فشار قرار داده است، وی از یکسو نمی تواند کاملاً به وعده های انتخاباتی خویش که با دست و دل باز انجام داد، پشت پا زند و خواسته های موتلفین خویش را یکسره نادیده بگیرد و از جانب دیگر این هم برای وی مقدور نیست که خواسته های حامیان خارجی اش را نپذیرد و به آن گردن ننهد. آگاهان امور باور دارند موتلفین داخلی کرزی اگرچه ناراض خواهند شد، اما چاره جز پذیرفتن سهم های ولو اندک نخواهند داشت، چون از یک سو دستی در قدرت داشتن برای آن ها بیش از هرچیزی دیگری اهمیت دارد و از سوی دیگر، بریدن از کرزی و حکومت برای آن ها جز سرافگندگی پی آمد دیگری ببار نخواهد آورد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپه کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۰۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid۱۳۵۷@Yahoo. com

سرمقاله

کمک پنج ملیارد دالری جاپان برای افغانستان و مشورهٔ برای زمامداران

درهفتهٔ گذشته وز ارت خارجهٔ جاپان با نشراعلامیهٔ، پنج میلیارد دالر برای کمک به افغانستان اختصاص داد. این کمک درآستانهٔ سفر اوباما رئیس جمهور امریکا به جاپان صورت گرفت. جاپان که متحد متحد اصلی امریکا درشرق دوراست، جهت حمایت از استراتیژی جدید امریکا این تصمیم را اتخاذ کرده است، درعوض آن کشور اعلان نموده است، ماموریت کشتی های خویش را که از سال ۲۰۰۱ بدین سو دربحر هند کمک های لوژیستکی در اختیار هواپیماهای ائتلاف بین المللی مبارزه با تروریزم می گذارد، متوقف می کند.

جاپان یکی ازکمک کنندگان اصلی افغانستان می باشد که درهشت سال گذشته دو میلیارد دالر به افغانستان کمک کرده است.

هرچند که درطول ۸ سال گذشته ده ها میلیارد دالر برای افغانستان مساعدت گردیده است، اما نتیجهٔ ملموسی ازاین کمک ها دیده نشده و تأثیر قابل ملاحظهٔ درکاهش فقر وایجاد اشتغال درکشور ما به میان نیامده است.

روشن است که درمصرف کمک های خارجی درافغانستان، شفافیت لازم وجود نداردو قسمت عمدهٔ این کمک ها ازسوی پیمان کاران خارجی وماموران دولت افغانستان حیف ومیل می شود. اندک پول باقی مانده درپروژه های کوچک ومتوسط که دررشد اقتصاد ما تأثیرچندانی نمی گذارد، به مصرف می رسد.

عرصهٔ زراعت وتولید انرژی ازمنابع ابی، عمده ترین بخش های است که می تواند تأثیر قاطع دربهبود اقتصاد کشور به جا بگذارد و افغانستان را در شاهراه توسعه قرار دهد.

ساختن چند پروژهٔ بزرگ در رود خانه های شمال کشور، می تواند درظرف چند سال ما را درعرصهٔ تولیدات زراعتی وتولید انرژی خود کفا سازد.

اما تاهنوز خبری ازچنین طرح ها بزرگ در میان نیست. دلیل عمدهٔ مخالفت ویا شانه خالی کردن مقامات دولتی وکمک کنندگان خارجی از راه اندازی این طرح های بزرگ این است که، این طرح ها چهار تا پنج سال زمان واز۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دالر سرمایه نیازدارند.

پس ازگذشت هشت سال ومصرف ده ها میلیارد دالر، هنوز هم همین بهانهٔ عنوان می شود. درحالیکه اگر هشت سال پیش یا دست کم پنج سال پیش، چند طرح بزرگ ملی درعرصه های زراعت وتولید انرژی درکشور آغاز می شد وازاین ده ها میلیارد دالر برای این طرح ها، دو- سه میلیارد دالر بودجه اختصاص می یافت، اکنون چهرهٔ افغانستان دگرگون می شد.

فکرمی شود این داستان ادامه پیدا می کند وپنج سال بعد که، پنج میلیارد دالر جاپان وده ها میلیارد دالر کشورهای دیگر، به مصرف می رسد و۱۳ سال ازآغاز مساعدت های بین المللی سپری می شود، بازهم حکومت آقای کرزی می گوید، این طرح ها پنج سال زمان نیاز دارند و۲۰۰ میلیون دالربودجه!

اکنون که جاپان پنج میلیارد دالر را برای افغانستان اختصاص داده است، اگر ارادهٔ واقعی برای انکشاف کشور در ذهن زمامداران ما وجود دارد، باید با این پول، ۱۰ تا ۱۵ برنامهٔ بزرگ ملی درعرصه های توسعه زراعت، تولید انرژی، تولید مواد ساختمانی، استخراج معادن، آب آشامیدنی برای کابل وچند شهر مهم دیگر وراه سازی اختصاص یابد. پس با اطمینان می توان گفت ازپنج سال با این پنج میلیارد، اگر حیف ومیل نگردد، دامن فقراز کشور برچیده می شود و دیگر هیچ پدری برای زنده ماندن فرزندش، فرزند دیگرش را نخواهد فروخت.

چالش های آینده حاکمیت کرزی

احمد مهدی

همه می پذیرند که کرزی درحکومت آینده خویش با چالش های فروانی روبرو است. او در این دوره ماه عسلی پیش نداشته، مجبور است با شماری فروانی ازمشکلاتی که هم اکنون ازراه رسیده اند دست وپنجه نرم کند.

چالش ها ومشکلات حکومت آینده آقای کرزی را می توان به دسته های متعددی تقسیم کرد.

۱- بحران مشروعیت: پس ازکناره گیری آقای عبدالله ازشرکت در دور دوم انتخابات، آقای کرزی، ازسوی کمیسیون انتخابات برنده اعلان شد، مبنای قانونی پیروزی آقای کرزی پیشتاز بودن او در دور نخست عنوان می شود، اما همه می دانند که کرزی در دوراول کمتر ازپنجاه درصد رأی آورد وهیچ کس درآن انتخابات برنده نشد، علاوه برآن بنا براعتراف موافقان ومخالفان، آن انتخابات پر ازتقلب بود وخود آقای کرزی مجبور شدآن انتخابات را انتخابات، " بدنام" بنامد.

اما هیچ دستاویز قانونی که بتواند قناعت مردم را نسبت به مشروعیت این تصمیم کمیسیون انتخابات فراهم کند وجود ندارد.

مردم پیروزی آقای کرزی را نه انتخاب، بلکه انتصاب وتقرر توسط کمیسیون انتخابات می دانند، ادامهٔ حاکمیت آقای کرزی متکی با زور سربازان خارجی بوده، خواست مردم نقشی درآن ندارد. بنا براین بحران مشروعیت چالش عمدهٔ حکومت آیندهٔ آقای کرزی است.

درصورتی که آقای کرزی بتواند یک حکومت دارای پایگاه وسیع اجتماعی وسیاسی بسازد، محصوصاً حمایت گروه اپوزیسیون تحت رهبری داکترعبدالله را جلب کند، در زمینهٔ ازبین بردن فساد وپارتی بازی موفقیت داشته باشد ویک حکومت خدمتگزار واداره سالم بسازد، می تواند تا اندازه مشروعیت بدست آورد.

اما اگر دراین زمینه های یاد شده موفقیت نداشته باشد، بحران مشروعیت شدت یافته باعث سقوط حکومت کرزی خواهد شد.

۲-ائتلاف های انتخاباتی:

چون کرزی می دانست که محبوبیت او درمیان مردم بسیارپایین است، به منظور برنده شدن در انتخابات ۲۹ اسد وادامهٔ قدرت، دست به ائتلاف های متعددی زد وبا دادن وعده های فروان، حمایت اشخاص وگروه های مختلفی را جلب کرد. گفته می شود کرزی هرچوکی وزارت را برای چندین نفر وعده نموده است. چون دولت افغانستان دارای پست های کافی جهت برآورده شدن وعده های کرزی ومطالبات موتلفین وی نیست. راضی نمودن وفراهم ساختن قناعت مؤتفلین، برای آقای کرزی کاری آسان نخواهدبود.

ازسوی دیگر مؤتلفین آقای کرزی شامل گروه های مختلف با گرایش ها وهدف های متفاوتی می باشند، برخی آن ها مانند استاد سیاف واعضای حزب اسلامی، دارای گرایش های اسلامی هستند وبرخی دیگر، مانند افغان ملت وجنبش ملی، دارای سیاست های تبارگرایانه می باشند، برخی دارای گرایش های غربی وبرخی دیگر نسبت به این تمایلات بدبین هستند.

ازنگاه قومی نیز هدف ها وسیاست های متحدین آقای کرزی، شامل جهت گیری های متفاوت ومتضادی می باشد که سامان دهی این سیاست های ناهمگون درچهار چوب برنامهٔ یک تیم، کار مشکلی برای آقای کرزی خواهدبود.

ازجانب دیگر، این متحدین هرچندکه با کارت های قومی وارد معامله باآقای کرزی شده اند، اما درحقیقت، آنها دارای برنامه های محدود هستند که ازچهارچوب منافع شخصی وخانوادگی آن ها فرا ترنمی رود، چنین یک تیمی هم با تضادها و تنش های درونی روبرو خواهد بود وهم، در برقراری رابطه نزدیک با مردم مشکل خواهد داشت.

در نتیجه فاصلهٔ حکومت کرزی با مردم بیشترشده به شدت ضعیف خواهد شد.

۳- فساد اداری: البته فساد اداری درکشور منحصر به رشوت نیست، بلکه شامل مجموعه متعددی ازمسایل می شود، واسطه گری، عدم شایسته سالاری، پارتی بازی وخویش خواهی، کم کاری وضعف قانون گرایی، معافیت ازمجازات ، اختلاس، عدم شفافیت، دیوان سالاری های بی مورد وده ها مسایل دیگر را دربرمی گیرد.

اکنون فساد اداری به یکی ازمشکلات عمده جامعه ما تبدیل شده است. درارزیابی های منابع معتبر بین المللی، حکومت افغانستان یکی ازفاسد ترین حکومت های دنیا است، طبق تحقیقات یک مؤسسهٔ غیردولتی بنام" نگاه شفاف به افغانستان" که درسال ۱۳۸۷ منتشرشد، هرخانوادهٔ افغانستان ناگزیر است سالانه صد دالر به ادارات دولتی رشوت بپردازد.

بررسی وتحقیقات نشان می دهدکه فساد درحکومت افغانستان، درطول هشت سال گذشته بصورت دوامدار رو به افزایش بوده واکنون درتمام عرصه های حکومت ریشه دوانیده است، هرچند که آقای کرزی وعده نموده است در دورهٔ آینده حاکمیت خویش مبارزه قاطعانه علیه فساد را درپیش خواهد گرفت و امریکا از۳ تا ۶ ماه برای وی مهلت تعیین کرده است، اما هیچ کس نمی تواند باور کند که آقای کرزی بتواند در مبارزه با فساد و اصلاح حکومت گام موثری بر دارد.

دلیل این بدبینی این است که آقای کرزی ازنگاه روانشناختی مدیریتی، فاقد قاطعیت لازم برای مقابله با فساداست. موفقیت در مبارزه با فساد در کشور، بسته به عوامل متعدداست، یکی از این عوامل در دست داشتن ابزار مبارزه با این مشکل است، آیا کرزی وادارهٔ وی ابزار مناسبی برای مبارزه با این مشکل اجتماعی است؟ کسی جرئت دادن پاسخ مثبت به این پرسش را ندارد.

اگر کرزی نتواند در اسرع وقت برادر خود را برکنارسازد واعضای پارتی اش را که اکثر آنان تا گلو درفساد غرق اند و در هشت سال گذشته از یک پست به پست دیگر نقل مکان کرده اند، در ادارهٔ آیندهٔ کشور همچنان نگهدارد، امیدی برای پیروزی کرزی در مبارزه با فساد وساختن یک ادارهٔ سالم وجود ندارد.

٤- مخالفان مسلح وادامهٔ جنگ:

مدتی پس ازسقوط ادارهٔ طالبان، که نا آرامی های درجنوب کشور ایجاد گردید. براثر اشتباهات نیروهای خارجی، فساد وناکارگی دولت، این شورش گسترش وتقویت یافت ودر دو- سه سال اخیر، به عمده ترین چالش در برابر نیروهای خارجی وحکومت افغانستان تبدیل شده است.

اکنون شورشیان ازجنوب وشرق به شمال وغرب کشور نیز رخنه نموده، امنیت را ازمیان برده اند. ناتو به صورت دوامدار ناگزیر می شود، جهت مقابله با شورش، نیروهای خویش را افزایش دهد. در حال حاضر حدود ۱۱۰ هزار نیروی خارجی درکشورمستقر اند وفرماندهان نظامی امریکا تقاضای اعزام چهل تا پنجاه هزار عسکر دیگر را دارند.

کارشناسان نظامی با توجه به کوهستانی بودن وسعت خاک افغانستان و عدم یک اداره سالم در کشور پیش بینی می کنند که با افزایش نیرو نمی توان شورش را شکست داد.

دربسیاری ازولایات، محدودهٔ حاکمیت دولتی ازساحهٔ مراکز ولایات وولسوالی ها تجاوز نمی کند. وضعیت نظامی مؤثریت حکومت را به میزان زیادی کاهش داده وزمینهٔ جنایات وضعف قانون را به میان آورده است. ازمیان بردن شورش بسته به راهبرد جامعه جهانی درمبارزه علیه تروریزم وجنگ درافغانستان است.

ساختن یک ادارهٔ سالم برای موفقیت مبارزه با تروریزم وشورش عاملی است که هیچ کس در مؤثریت آن تردیدی ندارد، اما ازسوی دیگر مهارشورش وشکست تروریستان نیز، برای ساختن ادارهٔ سالم لازم دانسته می شود. شمار آنانی که امید وار باشند آقای کرزی می تواند یک ادارهٔ سالم ومورد پسند اکثر مردم افغانستان بسازد، زیاد نیست.

ساختن یک ادارهٔ سالم برای موفقیت مبارزه با تروریزم وشورش عاملی است که هیچ کس در مؤثریت آن تردیدی ندارد، اما ازسوی دیگر مهارشورش وشکست تروریستان نیز، برای ساختن ادارهٔ سالم لازم دانسته می شود. شمار آنانی که امید وار باشند آقای کرزی می تواند یک ادارهٔ سالم ومورد پسند اکثر مردم افغانستان بسازد، زیاد نیست.

کسانی دیگری هستند که درارادهٔ جامعه جهانی برای شکست شورش در افغانستان وساختن یک حکومت سالم ونیرومند ابراز شک می کنند.

بنابرین امید واری زیادی برای تأمین امنیت وپایان جنگ و شورش درکشور در آینده نزدیک دیده نمی شود.

۵- مواد مخدر: کشورهای خارجی فکر می کنند، کشت وتولید مواد مخدر درافغانستان یکی از تهدیدهای عمدهٔ است که، متوجه جامعهٔ جهانی می باشد، از نظر آنان مواد مخدر منبع مهم درآمد طالبان وادامه شورش درکشور است.

هرچند بر اساس تحقیقات سازمان ملل، در دوسال اخیر حدود ۳۰ در صد درتولید مخدرات کاهش به عمل آمده است اما، دلیلی برای امید واری درزمینهٔ کاهش تولید مخدرات درکشور دیده نمی شود، صاحب نظران اعتقاد دارند، کاهش تولید مخدرات ناشی ازپایین بودن نرخ این مواد می باشد که پیوندی با ادعای دولت یعنی مبارزه با کشت وتولید این مواد نداشته، ممکن است دوباره مردم به کشت تریاک روی آورند ومیزان تولید آن افزایش یابد.

ما وقتی می توانیم به پایان کشت وتولید مواد مخدر درکشور امید واراباشیم که، شورش ازمیان برود، دروضعیت اقتصادی مردم مخصوصاً دهقانان بهبودی حاصل شود ویک ادارهٔ سالم وحکومت قانونگرا به میان بیاید. اکنون که نشانی ازچنین تحولاتی دیده نمی شود، امیدواری برای ریشه کن ساختن وحتی کاهش قابل ملاحظه این مواد هم بی مورد است.

۶- ساختن کابینه:

درجریان مبارزات انتخاباتی، کرزی برای برنده شدن به هرقیمتی وبا هرکسی آماده ائتلاف بود، کسانی که باکرزی ائتلاف کردند با استفاده ازاین ضعف وی، تا که توانستند لست طولانی ازخواسته های خویش را مطرح کردند وکرزی هم برای جلب آنان جز موافقت وامضا درپای آن لست ها چارهٔ نداشت.

نگرانی کرزی چنان جدی بود که آن همه ائتلاف های نا بسامان نمی توانست خاطر او را برای ادامهٔ اقتدار جمع سازد، بنابرین دست به تقلب های گسترده زد، اما این هم چاره ساز نبود، تا آنکه مزدوران وی در کمیسیون انتخابات به دادش رسیدند واو را برندهٔ انتخابات اعلان کردند.

اکنون که آقای کرزی برکرسی ریاست جمهوری دوباره تکیه زده ونفس راحتی کشیده است، مؤتلفین با لست های طولانی رسیده اند وتقاضای دریافت سهم خویش را می کنند.

ازسوی دیگر رهبران جهان چه ازکابل وچه ازلندن و واشنگتن ونیویارک وپاریس، لست های طولانی ازخواسته های خویش را بر رخ آقای کرزی می کشند.

اما امکانات دولت افغانستان وامکانات آقای کرزی برای پاسخ گوی به همهٔ این خواسته ها محدود است.

از جانب دیگر کرزی با مجلس نمایندگان نیز مشکل دارد، شمار فراوان از نمایندگان، حکومت آقای کرزی را غیر مشروع دانسته آماده نیستند به کابینه وی رأی اعتماد بدهند. اما شاید کرزی نگرانی زیادی از پارلمان نداشته باشد، چون درمیان نمایندگان عدهٔ هستند که در برابر پول و رشوت آماده اند به هرکسی رای بدهند.

بنابرین ساختن کابینه وارضای حامیان خارجی ومؤتلفین داخلی، شاید سخت ترین تصمیمی باشد که دراین روزها روی میزآقای کرزی قرارگرفته است.

۷-پارتی بازی

پارتی بازی و باندگرای عامل مهمی در رشد فساد و تجرید اداره آقای کرزی شده است، گروهی که اکنون کرزی را در حلقه تنگ خویش محصور نموده اند، شاید خود را یک تیم ملی و تکنوکرات معرفی کنند، اما اهداف و انگیزه های که این گروه نا متجانس را به هم پیوند داده، منافع شخصی و خانوادگی و سیاست های تبعیض آمیز تباری می باشد.

این تیم درچند سال گذشته تلاش کرده است، افراد غیرخودی که منافع شخصی آنان را تهدید می کردند، از ادارات حکومت پاکسازی کنند واکنون نیز، با شدت با ورود افراد غیر خودی مخالفت خواهند کرد.

کرزی اگر نتواند خود را از چنگ این لاشخوران نجات دهد، هم در ساختن یک کابینه ملی مشکل خواهد داشت و هم هیچ موفقیتی در جهت مبارزه با فساد و ساختن یک اداره سالم بدست نخواهد آورد. کرزی با گروه کنونی حاکم همان کرزی باقی خواهد ماند، با همان فساد گسترده وهمان حکومت ضعیف و مورد انتقاد جامعهٔ جهانی.

حکومت آقاری کرزی برای کسب مشروعیت ملی، باید بیش ازگذشته کارکند مبارزه قاطعانه علیه فساد و اراده واقعی برای ساختن یک اداره سالم و حکومت مسوولیت پذیر، کاری است که بدون آن هیچگاه کرزی موفق به کسب مشروعیت نخواهد شد.

جلب همکاری اپوزیسیون سیاسی می تواند چهره قابل قبول و مشروع تری به حکومت آینده ببخشد، اما استقلالیت ونقش منتقدانه و اصلاح گرانه اپوزیسیون باید درحکومت آینده مد نظرقرار بگیرد. این اپوزیسیون باید قدرت هدایت حکومت به سوی اصلاحات را داشته باشد و مسوولیت ها و صلاحیت های به آن داده شود که بتواند بهای شریک شدن در عیب های حکومت اقای کرزی را بپردازد.

حکومت باید این موضع اپوزیسیون را درک کند که اصلاحات اساسی در دولت افغانستان بدون تغییر در قانون اساسی و ساختار اصلی نظام که نظارت واقعی دستگاه های اجرایی و قوهٔ قضائیه را تضمین کند، دست یافتنی نیست.

هدفمندی ادبیات

قسمت دوم

پروفیسور دکتر فهیم الدین راهی پرلاس

سیر انکشافی و تحول در اندیشه های علمی، فلسفی و سیاسی گذشته از این که اثرات عمیقی در جریان های هنری و ادبی به جا گذاشته و ادبیات و هنر نیز در منعکس ساختن این تحولات نقش تعیین کننده داشته است. صبغهٔ ابداعات ادبی و تشکل سبک ها و مکتب های ادبی و هنری نیز بر مبنای این تحولات مایه گرفته و سیر تکاملی خود را پیموده است. در جوامعی که ریشهٔ ابداعات ادبی برمبنای عمیق تاریخی استوار بوده، ادبیات و هنر نقش قاطع در شکل گیری دگرگونی های اجتماعی و سیاسی بازی کرده و بعضا به اهدافی که سلاح های گرم و آتشزا نتوانسته است توسل جوید، شاعر، نویسنده و هنرمند با نفوذ در اعماق احساس و عواطف انسان ها به سهولت به آن دست یافته اند. در این جاست که ادراک، کشف و تحلیل روانی انسان ها در جریان تشخیص، تثبیت و شکلدهی یک سلسله واقعیت ها اهمیت جداگانه کسب می کنند. یعنی هر واقعیتی را نمی توان تنها بر مبنای علل مادی ارزیابی کرد و هرحادثهٔ اجتماعی را در لابراتوار تحت مایکرسکوپ ها قرارداد. تداوی بیماری مزمن شهزاده توسط ابن سینا که در خلال یک سلسله پرسش ها عقدهٔ روانی او را در راه توسل به معشوقه اش باز کرد و همچنین شیوهٔ تداوی کنیزک بیمار در مثنوی مولوی، واقعیت دیگری را در میان گذاشت که دانشمندان و سخن سرایان خراسان قرن ها قبل به تفصیل روی آن سخن گفته اند و آن نقش علل روحی در وقوع یک سلسله حوادث اجتماعی وسیاسی است. اما در تاریخ تیوریهای ادبی امتیاز فورمولیزه کردن این اندیشه نصیب فروید طبیب استریایی گردید. فروید از نبرد غریزه ها در وجود انسان صحبت می کند و دگرگونی های زندگی اجتماعی وسیاسی انسان را در خصیصهٔ این غرایز می داند. تشکل و تمرکزعقده در مراحل بعدی تعادل مطلوب را در سیستم های وجود انسان از میان می برد و به بیماری هایی سبب می شود که علاج آن نه از طریق خوردن ها وآشامیدن ها، بلکه به وسیلهٔ تصفیه داخل میسر می گردد. ادب تصوفی ما مملو از تعالیمی است که ره به دیار نجات از بیماری های گوناگون روانی می گشاید در آنجا که بیدل می گوید:

فیض حلاوت ازدل بی کبروکین طلب
زنبور را زخانه بر آر انگبین طلب

فروید بدون تردید به صفت بنیانگذار سایکا آنالیز یعنی تحلیل روانی پرده از روی یک سلسله غوامضی در شناخت واقعیت ها و از جملهٔ پدیده های ادبی برداشت و کارمنتقدین ادبی و هنری را سهولت بخشید.

امروز در ارزیابی پدیده های ادبی در پهلوی علل گوناگون اجتماعی و اقتصادی، علل روانی نیز نقش سازندهٔ خود را به جای می گذارد.

آنچه که به اختصار از آن صحبت شد بیانگر این واقعیت است که ادبیات و هنرهمان گونه که مایهٔ اصلی خود را از واقعیت های محسوس وعینی جامعه می گیرد به حیث یک نیروی تازهٔ نقش سازندهٔ خود را درشکلدهی تحولات جامعه نیز تحقق می بخشد. از این جهت هدفمندی اجتماعی خصیصهٔ اصلی و انکار پذیرادبیات و هنر شناخته می شود. در آثاری که ساختمان بغرنج جامعه است که تحلیل آن بر مبنای سایکا آنالیز فروید دور از امکان دانسته نمی شود. بنا بر این پیوند ادبیات های گوناگون می تواند وجوه متفاوت و ناهمگون عرضه کند. بنا براین یک پدیدهٔ ادبی وهنری اگرحاوی هیچگونه ارزش ومفهومی نباشد، یعنی انتخاب وپیوند کلمات وایجاد ترکیبات مفهومی را افاده نکند و انتخاب و تلفیق رنگها و آهنگها با احساس عواطف بیننده و شنونده گره نخورد نمی توان آنرا اثر ادبی وهنری خواند.

تمثیل، ترسیم و منعکس ساختن واقعیت ها درآثار ادبی و هنری امکان دارد به اشکال گوناگون و براساس نسبیت ها صورت گیرد. که آنوقت موضوع سبک ها و مکتب های ادبی مطرح می شود که آن بحث جداگانه را تشکیل می دهد. بدون تردید توانایی شاعر، نویسنده و هنرمند درتمثیل و بیان کامل و همه جانبهٔ واقعیت ها و الهام بخش بودن آن به خواننده، بیننده و شنونده با توانایی اینان در ادراک واقعیت ها با همه باریکی ها و پیچیدگی های آن پیوند متقابل دارد. چنان که استاد سخن سعدی می گوید:

برگ درختان سبزدرنظرهوشیار
هرورقش دفتریست معرفت کردگار

یعنی هرکس به سوی برگ سبز درختان می نگرد اما برداشت هر کدام همگون نیست یکی از هر ورق آن دفتری از معرفت الهی را درمی یابد و دیگری بی هیچگونه ادراکی می نگرد ومی گذرد. یعنی هوشیاری

معیار دانایی است و این هوشیاری را درهر اثری نیز نمی توان سراغ کرد. این مفهوم را حافظ شیرین سخن چه استادانه بیان کرده است:

نه هرکه چهره برافروخت دلبری داند
نه هرکه آیینه سازد سکندری داند
نه هرکه طرف کله کج نهاد وتند نشست
کلاهداری وآیین سروری داند
هزارنکته باریکتر زمو این جاست
نه هرکه سر نتراشد قلندری داند
درآب دیدهٔ خود غرقه ام چه چاره کنم
که درمحیط نه هرکس شناوری داند
زشعردلکش حافظ کسی شوداًگاه
که لطف طبع وسخن گفتن دری داند

درباره خصیصه، ماهیت ووظیفهٔ ادبیات و هنر در جوامع مختلف طرز دیدهای مختلفی را می توان مشاهده کرد. به خصوص تحولات عظیم سیاسی برنحوهٔ ارزش یابی نقادان از پدیده های ادبی اثرات عمیقی به جای گذاشته و حتی سبب ایجاد سبک ها و مکتب های گوناگون در این زمینه شده است، اروپا که مهد مکتب های چون کلاسیسم، رومانتیسیسم و ریالیسم شده بود وقوع دوجنگ جهانی در خاک اروپا به ماهیت جریان های ادبی این سرزمین ها نیز بی اثر نماند و سبب به وجود آمدن مکتب های ادبی وهنری پی شد که چگونگی آنها تا هنوز مورد مناقشهٔ نقادان ادبی قراردارد. زیرا همان گونه که رومانتیسم (وجوه سبت آن) و ریالیسم و حتی سمبولیسم با صبغهٔ جهانی خود پیوند عمیقی را با واقعیت های عینی جامعه ترسیم می کرد و خصلت اجتماعی و آموزشی را در خود نهفته داشت، مکتب هایی چون ناتورالیسم، سوریالیسم، امپرسیونیسم، دادیسم، فوتوریزم، کوبیسم، ریالیسم سوسیالستی، رومانتیسم و رئالیسم انقلابی گوشهٔ از واقعیت های جامعهٔ جنگ زده و در هم ریختهٔ اروپا و جوامع انقلابی شوروی و چین را ارائه می کرد، که از جهت ماهیت اصلی ادبیات و هنر تاهنوز مورد مناقشهٔ نقادان ادبی وهنری قراردارد.

در این جا این نکته قابل یاد آوری است که جریان های ادبی با وجوه انترناسیونالیستی خود در واقع صبغه و خصیصهٔ ملی را نیز در خود نهفته دارند. بدین معنی که یک جریان یک مکتب و یا سبک ادبی از سطح جهانی بودن تا پایهٔ فردیت پایان می آید. ریالیسم فرانسه غیر از ریالیسم انگلیس است، ریالیسم اروپا چون ریالیسم آسیا، ریالیسم خراسان باریالیسم چین، ترک، هند، جاپان و عرب تفاوتهای عمیقی به هم می رساند. زیرا پس منظر تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و حتی نژادی و ذهنی این جوامع و اقوام یک دست نیست بنا بر این همهٔ این مشخصات در ابداع پدیده های ادبی و هنری به نحوی انعکاس می یابد و بعضاً خصیصهٔ اصلی ادبیات و هنر و حتی اخلاق و سیاست آن جوامع اقوام را نیز شیرازه بندی می کند.

ادامه دارد

غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت

کاظم کاظمی

غروب در نفس گرم جاده خواهم رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم رفت
طلسم غربتم امشب شکسته خواهدشد
و سفره‌ای که تهی‌بود، بسته خواهدشد
و در حوالی شبهای عید، همسایه!
صدای گریه نخواهی شنید، همسایه!
همان غریبه که قلک نداشت، خواهدرفت
و کودکی که عروسک نداشت، خواهدرفت

منم تمام افق را به رنج گردیده،
منم که هر که مرا دیده، در گذر دیده
منم که نانی اگر داشتم، از آجر بود
و سفره‌ام ــ که نبود ــ از گرسنگی پر بود
به هرچه آینه، تصویری از شکست من است
به سنگ‌سنگ بناها، نشان دست من است
اگر به لطف و اگر قهر، می‌شناسندم
تمام مردم این شهر، می‌شناسندم
من ایستادم، اگر پشت آسمان خم شد
نماز خواندم، اگر دهر ابن‌ملجم شد

طلسم غربتم امشب شکسته خواهدشد
و سفره‌ام که تهی بود، بسته خواهد شد
غروب در نفس گرم جاده خواهم‌رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم‌رفت

چگونه بازنگردم، که سنگرم آنجاست
چگونه؟ آه، مزار برادرم آنجاست
چگونه باز نگردم که مسجد و محراب
و تیغ، منتظر بوسه بر سرم آنجاست

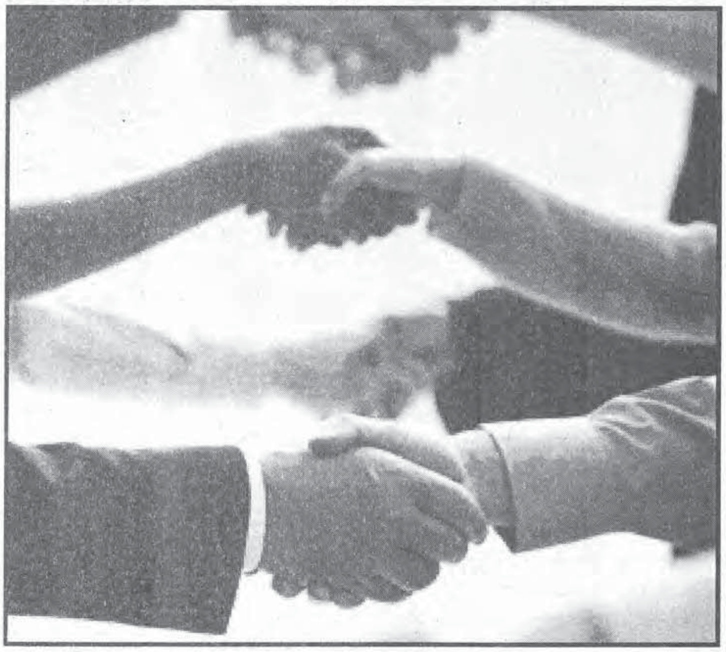
اقامه بود و اذان بود آنچه اینجا بود
قیام‌بستن و الله اکبرم آنجاست
شکسته‌بالی‌ام اینجا شکست طاقت نیست
کرانه‌ای که در آن خوب می‌پرم، آنجاست
مگیر خرده که یک پا و یک عصا دارم
مگیر خرده، که آن پای دیگرم آنجاست

شکسته می‌گذرم امشب از کنار شما
و شرمسارم از الطاف بی‌شمار شما
من از سکوت شب سردتان خبر دارم
شهید داده‌ام، از دردتان خبر دارم
تو هم به‌سان من از یک ستاره سر دیدی
پدر ندیدی و خاکستر پدر دیدی
تویی که کوچهٔ غربت سپرده‌ای با من
و نعش سوخته بر شانه برده‌ای با من
تو زخم دیدی اگر تازیانه من خوردم
تو سنگ خوردی اگر آب و دانه من خوردم

اگرچه مزرع ما دانه‌های جو هم داشت
و چند بتهٔ مستوجب درو هم داشت
اگرچه تلخ شد آرامش همیشهٔ‌تان
اگرچه کودک من سنگ زد به شیشهٔ تان
اگرچه متهم جرم مستند بودم
اگرچه لایق سنگینی لحد بودم
دم سفر مپسندید ناامید مرا
ولو دروغ، عزیزان! بحل کنید مرا
تمام آنچه ندارم، نهاده خواهم‌رفت
پیاده آمده‌بودم، پیاده خواهم‌رفت
به این امام قسم، چیز دیگری نبرم
به‌جز غبار حرم، چیز دیگری نبرم
خدا زیاد کند اجر دین و دنیاتان
و مستجاب شود باقی دعاهاتان
همیشه قلک فرزندهایتان پر باد
و نان دشمنتان
ــ هر که هست ــ
آجر باد

حکومت مشارکت ملی!

فقیری



انتخابات ریاست جمهوری، بدون نتیجه به پایان رسید. در دور اول هیچ یک از کاندیداها نتوانستند آرای لازم را به دست بیاورند. آقای کرزی به بیشترین آرا – به صورت نسبی – دست یافته بود. دور دوم انتخابات به دلیل اعتراض کاندیدای رقیب و رد خواسته های او، برگزار نشد و کمیسیون انتخابات بهانه آورد که با یک کاندیدا نمی توان دور دوم را برگزار کرد. پس بنا بر این که آقای کرزی در دور اول نسبت به دیگران بیشترین آرا را به دست آورده، به حیث رئیس جمهور اعلام گردید!

صرف نظر از این که کمیسیون انتخابات، صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی را دارد یا نه، پیام های تبریک از سوی رؤسای دول و حکومات کشورها به کابل فرستاده شد و گویا آقای کرزی برای مدت پنج سال آینده به حیث رئیس جمهور باقی خواهد ماند!

هم آقای کرزی، هم اطرافیان و حامیان وی و هم جامعهٔ جهانی خوب می دانند که دور تازهٔ ریاست جمهوری از لحاظ مشروعیت با چالش های فراوانی روبروست! رئیس جمهور جدید در نتیجهٔ کدام انتخابات و با به دست آوردن چند درصد آرا به پیروزی رسیده و انتخاب شده است؟ این سوالی است که طرح و پاسخگویی به آن، وجدان همگان را آزار می دهد و جواب قانع کننده ای را نمی توان برای آن دریافت!

سوال مهم و سرنوشت ساز دیگر این است که حکومت آینده چگونه مشروعیت خواهد داشت و این مشروعیت را از کجا پیدا خواهد کرد؟

آقای کرزی، مخالفان و جامعهٔ جهانی همه می دانند که توافق و اشتراک کاندیدای رقیب و حامیان او، یگانه منبع مشروعیت، در حال حاضر است!

بدون موافقت ، قناعت و رضایت کاندیدای رقیب و حامیان او به ویژه جمعیت اسلامی افغانستان بسیار مشکل و دشوار خواهد بود که حکومت آینده مشروعیت پیدا کند و فقط با توافق و رضایت و قناعت این جناح بزرگ ، مطرح و مهم در سیاست کشور است که می توان به حکومت آینده رنگ مشروعیت داد و از بحران بزرگ و حوادث ناگوار ناشی از آن جلوگیری کرد.

گرچه داکتر عبدالله در گذشته با قاطعیت اعلام داشته است که در حکومت تحت رهبری کرزی، دیده نخواهد شد ولی این موضع هرگز به معنی عدم اشتراک حامیان او در حکومت آینده نخواهد بود.

آقای کرزی به دلیل فقدان مشروعیت، محتاج به دست آوردن آن است و جلب رضایت و قناعت مخالفان یادشده، و سهم لازم به آنان در حکومت آینده از ضروریات و ناگزیری های او و خواست مردم و جامعهٔ جهانی است.

شرکت در حکومت مشارکت ملی که آقای کرزی در نخستین نشست رسانه یی پس از اعلام کمیسیون، در مورد آن صحبت نمود، بی گمان به سود مخالفان یادشده نیز است. در کشوری مانند افغانستان که حزب حاکم یا رئیس دولت، پس از آغاز کار رسمی به تصفیهٔ مخالفان می پردازد و تمام مناصب دولتی را به حامیان و هواداران خود می دهد و اراکین نظام در مرکز و ولایات به سرکوب مخالفان می پردازند و به دلیل شرکت در مبارزات انتخاباتی، از مخالفان خویش انتقام می گیرند و ... پس حکومت فردی و بدون مشارکت مخالفان، باعث ایجاد و تداوم دیکتاتوری خواهد شد و به ارزش و اعتبار رأی موافق و رأی مخالف که از لازمه های دموکراسی است، لطمهٔ فراوان وارد خواهد ساخت و چنین پنداشته خواهد شد که رأی مخالف به معنی دشمنی است نه حق یک فرد که قانون اساسی به آن احترام دارد.

قانون اساسی ما به هر افغان واجد شرایط حق داده است که در انتخابات شرکت کند و به کاندیدای دلخواه خود رأی بدهد. هرگاه کاندیدای مورد نظر به پیروزی نرسید، به معنی محرومیت از همهٔ حقوق نیست و نبایدکسانی که رأی مخالف به کسی داده اند که امروز رئیس جمهور است، مورد قهر و غضب قرار گیرند و از همه حقوق خویش محروم ساخته شوند.

بنا بر این، هرگاه مخالفان یادشده قانع و راضی ساخته شوند که در حکومت مشارکت ملی سهم بگیرند، پس قرار گرفتن در مناصب و مسوولیت های دولتی به آنان این فرصت و اختیار را خواهد داد که از حقوق همه اتباع (حامیان و مخالفان رئیس جمهور در انتخابات ریاست جمهوری)به صورت یکسان دفاع نمایند و مانع ضایع شدن حقوق حامیان کاندیدای رقیب گردند. در این صورت، حکومت مشارکت ملی، حکومت همگان خواهد بود و به کدام شخص و گروه خاص تعلق نخواهد داشت. این حکومت به احتمال زیاد، دارای اپوزیسیون قوی و منسجم نخواهد بود و خواهد توانست که مصدر خدمت بهتر به مردم گردد. با تشکیل چنین حکومتی، باید تلخی های انتخابات را فراموش کرد و برای تقویت روحیهٔ برادری و همکاری و خیر، در میان همه اقشار مردم (موافقان و مخالفان سابق) کار و تلاش نمود.

پس با تشکیل حکومت مشارکت ملی است که همهٔ مردم ما اطمینان پیدا خواهند کرد که تلخی ها و محرومیت های گذشته تکرار نخواهد شد و همه در کنار یکدیگر در میدان خدمت به مردم و با حسن نظر و همکاری در امر بازسازی کشور به رقابت خواهند پرداخت.

بی گمان که جامعهٔ جهانی نیز از تشکیل چنین حکومتی استقبال خواهد کرد و موئید و همکار آن خواهد بود.

حملهٔ انتحاری در نزدیکی پایگاه ناتو در کابل



انفجار انتحاری در نزدیکی یک پایگاه نیروهای ناتو در شرق کابل سه سرباز خارجی و سه غیرنظامی افغان را زخمی کرده است.

گفته می شود این انفجار تلفاتی هم برجا گذاشته که آمار آن هنوز مشخص نیست، نیروهای ناتو تا اکنون در مورد این واقعه اظهار نظری نکرده اند هر چند محل انفجار در محاصره واحدهای نظامی و امنیتی خارجی و افغان قرار گرفته که خیابان های منتهی به این محل را بسته اند.

مقامات وزارت امور داخله محل این حمله انتحاری را پایگاه سربازان خارجی موسوم به فونیکس (Phoenix) در جاده کابل- جلال اعلان نموده است.

پایگاه فونیکس محل آموزش سربازان اردوی ملی است که توسط افسران خارجی اداره می شوند.

طالبان مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفته و گفته اند که یک مرد وابسته به این گروه با انفجار موتر بمبگذاری شده خود، چند سرباز خارجی را کشته است.

این انفجار در حالی گزارش می شود که رایزنی در باره تصمیم احتمالی دولت آمریکا برای اعزام نیروهای بیشتر نظامی در آمریکا ادامه دارد.

باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا با مشاوران نظامی خود در باره اعزام نیروی بیشتر نظامی به افغانستان به گفتگو پرداخته و به گفته سخنگوی کاخ سفید، چهار گزینه را در این مورد بررسی کرده است.

در عین حال، کارل آیکنبیری، سفیر آمریکا در کابل در یادداشتی محرمانه به کاخ سفیدبا اعزام سربازان امریکایی به افغانستان مخالفت کرده گفته است، اعزام این سربازان بدون ایجاد اصلاحات در حکومت افغانستان اشتباه است.

این در حالی است که ژنرال مک کریستال فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان پیشنهاد کرده است برای خاتمه دادن به شورش های کنونی در افغانستان، لازم است تا ۴۰ هزار نیرو تازه نفس آمریکایی به افغانستان فرستاده شوند.

وزارت دفاع افغانستان هم گفته است که این کشور دست کم تا چهار سال دیگر به حضور نیروهای بین المللی برای مقابله با شورشیان نیازمند است

پیام های از حج



عبدالمعین شاهد

عبادت در اسلام تقدیس وبزرگداشت آفریدگار وعرض نیاز به پیشگاه اوست، عبادت دارای پهلو های آموزنده برای مسلمانان در ساختن جامعه، برپایی نظام سیاسی و ترویج ارزشهای اخلاقی و فرهنگی است، یکی از عبادت های عمده در شریعت اسلام حج است، حج یا رکن پنجم اسلام دارای پیام ها و آموزه های ارزشمند در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می باشد.

یکپارچگی و اتحاد مسلمانان یکی از درس های حج است، نمایندگان جوامع مسلمان که به فرهنگ ها، زبان ها، ملت ها و نژادهای متنوع بستگی دارند، همه ساله در همایش بزرگ حج در مکه مکرمه شرکت می نمایند و یک جا باهم مراسم متعدد این فریضه را ادا می کنند. گردهمایی حج بستر وزمینه تفاهم و درک مشترک میان مسلمانان را به میان می آورد. مسلمانان در حج از حصار تنگ نژاد، کشور، فرهنگ های ملی و سایر مشخصه های منطقه یی بیرون می شوند و به گونهٔ آشکار و قشنگی نظر یهٔ جهان گرایی اسلام "امت واحده" را بازتاب می دهند.

حج فرصت نادری برای طرح چالش ها و بحران های جهان اسلام را به میان می آورد، در صورتی که سازمان دهی می شود و برنامه روی دست گرفته شود، صد ها هزار مسلمان از مسایل عمدهٔ جهان اسلام آگاه می شوند. این کار زمینه را برای اندیشیدن پیرامون چالش های گوناگون جهان اسلام و حل آن مساعد می سازد.

برخی کشورها و سازمان ها باور دارند که دراین زمینه کاری صورت نگرفته و از چنین فرصتی استفاده لازم نشده است، اما برخی از کشورها ونهادهای دینی، به ویژه دولت سعودی که سازمان دهی و میزبانی مراسم حج را به دوش دارد ، عقیده دارند که سیاسی ساختن حج فضای معنوی و عبادتی را که لازمه آن است، متضرر می سازدو زمینهٔ بهره برداری سیاسی و تنش را به میان می آورد. بنا براین از راه اندازی برنامه های سیاسی وفرهنگی جلوگیری می شود.

با آن که رویکرد جلوگیری از سیاسی شدن مراسم حج تا اندازهٔ قابل درک است، اما بدون شک از فرصت حج در حل بحران های جهان اسلام تا هنوز استفاده شده است. اکنون جهان اسلام با چالش ها و بحران های بزرگی دست و گریبان است، جنگ ها و بحران ها در انحصار جغرافیای جهان اسلام قرار گرفته است. افغانستان، پاکستان، فلسطین، عراق، سودان، صومیالیا، نیجریا وجاهای دیگری کانون های اصلی بحران در جهان کنونی هستند که همه در کشورهای اسلامی قرار گرفته اند.

فقر وتوسعه نیافتگی و امراض واگیر دار که از جمله معضلات مهم بشریت می باشند، کشورهای اسلامی را هدف اصلی قرار داده اند، جا دارد که از فرصت همایش بزرگ حج، درشناخت و مقابله این چالش ها استفاده شود.

برای طرح چنین مسایلی یک سازمان جهانی به میان بیاید و با تدوین راهکار های و با سازمان دهی وهماهنگی بیشتری جلو بهره برداری از جسم توسط برخی از کشورها و سازمان ها گرفته شود. کنفرانس کشورهای اسلامی در شرایط حاضر می تواند، این مسؤولیت را بدوش بگیرد.

درس دیگر حج برابری و برادری درمیان مسلمانان می باشد. زایران حج بدون درنظر داشت هیچ مقام سیاسی و اجتماعی و بدون هیچ تمایز نژادی و فرهنگی و زبانی، با یک یونیفورم در پهلوی هم قرار میگیرند، هرگونه تمایز و تشخصی مثلا لباسی، غیر از احرام و یا گذاشتن کلاه، می تواند موجب گناه وکفاره شود. این برابری رویکرد برابر خواهانه واتحاد طلبانه اسلام را به نمایش می گذارد. اصل برابری وعدالت در حج، می تواند اساس قابل اطمینانی برای ایجاد جهانی که در آن صلح و آرامش حکم فرما باشد به میان آورد.

در حج این فرموده پیامبر اسلام تحقق می یابد:" هیچ عربی بر غیر عرب و غیر عربی برعرب، هیچ سیاهی بر سفید و سفیدی بر سیاه، جز با پرهیزگاری برتری ندارد"

درس دیگری حج، شرکت مساویانه زنان در برگزاری مراسم دینی است. زنان دراماکن حج، عرفات، مزدلفه، مینا، صفا و مروه، درپهلوی مردان، بدون هیچ تبعیضی به ادای مرا سم می پردازند، در مسجد الحرام، مسجد عرفات و درمساجد مینا، یکجا بامردان و دریک صف با آنها، نماز می خوانند. این برابری درمیان زنان ومردان اصلی برای برابری مومنان زن و مرد در شریعت اسلام است.

اما اینکه دربرخی کشورهای اسلامی زمینهٔ شرکت مساویانه زنان در مراسم دینی میسر نیست، ناشی ازعوامل فرهنگی، اجتماعی واقتصادی می باشد، این عوامل در پهلوی نقض حقوق زنان، ارزش ها و گزاره های دینی را نیز زیر پا می گذارد.

امنیت و صلح پیام دیگر حج است، در حج باید از هر گونه ضرری به انسان ها، حیوانات و حتا درختان و نباتات پرهیز شود. همه چیز باید از گزند و ضرر در امان باشند. در صورتی که حاجی و زائر بیت الله این امنیت و آرامش را برهم بزند، حیوانی را شکارکند و یا درختی را قطع کند، حتی حشره را بکشد مرتکب گناه شده است و باید جبران نماید، مرتکب این خلاف کاری، عقوبت مالی می شود که باید حیوانی را ذبح کند و گوشت آن را صدقه کند و یا عقوبت بدنی می شود که باید روزه بگیرد.

امنیت و آرامش حج و اماکن مقدس آن را، خداوند تضمین نموده و فرموده است"و من دخله کان امنا" هرکسی که وارد خانه خدا شود در امان است.

یگانه پرستی وتوحید و پیراستن باور انسان از شایبه های شرک و بت پرستی، درس دیگر حج است. حج یاد وارهٔ دعوت و مبارزهٔ حضرت ابراهیم قهرمان یکتاپرستی دربرابر ستم گران است، زورگویان خود را شریک خدا قرار می دادند و اندیشه انسان را در بند می کشیدند، آن ها را به پرستش و گردن نهادن در برابر خدایان دورغین وا می داشتند، تا حاکمیت ستم گرانه خویش را تداوم بخشند و از انسان ها و مستعضفین بهره برداری نمایند، حضرت ابراهیم دعوت و مبارزه خستگی ناپذیر انجام داد و یک تنه در برابر حامیان شرک و بت پرستی ایستاد و سرانجام ستمگری و بت پرستی را نابود ساخت. وسوسه های شیطان هیچ گاه نتوانست تزلزلی در باور و اراده ابراهیم ایجاد کند.

زدن جمره ها که نمادی است از سنگسار کردن شیطان، یاد آور مبارزات حضرت ابراهیم در برابر وسوسه های شیطان است.

حج بیانگر مدارا و همدیگر پذیری در اسلام است، مسلمانان در حج باید از هرگونه عملی و حتا سخنی که موجب اذیت و رنجش دیگران شود، بپرهیزند، حاجی باید جز سخنان پسندیده برزبان نیاورد. گفتگوو بحث های که برای دیگران نا راحتی و اذیت خاطر ایجاد می کند، درجج نا رواست.

شریعت اسلامی این پیش بینی را نموده است که در حج مردمان با نقطه نظرهای گوناگون شرکت می کنند، پس لازم است، در آنجا روحیه مدارا و همدیگر پذیری حاکم باشد و سخنی که نا راحتی ایجاد کند گفته نشود.

آوردن اصلاح و ریشه کن کردن فساد، درس دیگرحج است و لازم است حاجی از مال حلالی که هیچ شایبه حرام درآن وجود نداشته باشد مصرف کند، در غیرآن حج او مقبول خداوند واقع نمی شود، حاجی باید قبل از هر اقدامی جهت ادای حج، از گناهان توبه کند و تصمیم بگیرد دیگر هیچگاه دست به گناه نمی زند هرگاه حاجی چنین توبه نکند، اجرو پاداش حج را نمی تواند بدست آورد.

احکام حج

ضرورت آموختن احکام حج و عمره

شما جهت رفتن به عربستان سعودی و شهر مکه به قصد ادای حج و یا عمره ناگزیر، به ادارات مربوط حکومتی مراجعه می کنید و پس از طی مراحل اداری درد سر آفرین، شامل لست حاجیان می شوید، سپس اقدام به سفر دور ودراز به عربستان سعودی می کنید، شما دراین سفر مشقت می بینید و پول هنگفت را مصرف می کنید.

اگر چنانچه به احکام و مراسم حج آشنایی نداشته باشید، نمی توانید آن را درست انجام دهید و در نتیجه حج شما ناقص و یا حتا باطل می شود و تمام رنج ها و مصرف های تان ضایع می گردد، بناء لازم است هر کسی که قصد ادای حج یا عمره را داشته باشد. حتما احکام حج و عمره، فرض ها، واجبات و سنت های آن را بیاموزد، تا این عبادت های مهم را به وجه احسن مطابق شروط و احکام شریعت انجام داده و مستحق اجر بزرگ شود.

آمادگی برای سفر حج :

چون سفر حج یک عبادت وسفر دینی است که هدف آن ادای یکی از فرایض عمدهٔ شرعی وکسب اجر وپاداش وآمرزش گناهان است. در آستانهٔ این سفر انسان باید ازگناهان توبه نماید، درصورتی که حقی از دیگران به گردن او باشد، باید آن حق را اداء کند، مصارف سفر را از مال حلال آماده نماید، کوشش کند از میان انسان های صالح و نکوکاری که راهی سفر حج می باشند همراهان و هم صحبتان شایسته بیابد، تا در مواقع لازم با وی همکاری کند.

کسی که روانهٔ سفر حج است باید تصمیم بگیرد، هیچگاه دست به گناه نزند، به سنت پیامبر احترام و پایبندی داشته باشد، تمام نیت و قصد وی اخلاص به خداوند و رضای او تعالی باشد، همهٔ وقت خودرا به عبادت خداوند اختصاص دهد وازجدل ونزاع اجتناب نماید وکوشش کند وقت خودرا درعبادت خداوند، ذکر ودعا وخواندن قرانکریم بگذراند وتا می تواند از پرداختن به امور دنیوی خودرا دور نگهدارد.

حج بر چه کسی فرض است؟

حج بر کسی فرض است که شرط های حج را دارا باشد، شرط های حج عبارت است از : اسلام، بلوغ، عقل، آزادی و توانمندی.

بناء حج بر مسلمانی فرض می شود که بالغ، عاقل و آزاد بوده و توانمندی اقتصادی وبدنی برای سفر حج و ادای مراسم آن را داشته باشد.

توانمندی شامل توانمندی اقتصادی و بدنی می گردد. توانمندی اقتصادی آن است که انسان مصارف رفت و برگشت حج را که عبارت از خرید تکت طیاره یا موتر و همچنان مصارف اقامت، مانند کرایهٔ هوتل و غذا می باشد، داشته باشد و همچنان مصارف خانواده وفرزندان خویش را که تا بازگشت کفایت کند به آن ها بسپارد. اگر کسی چنین دارایی و سرمایه در اختیار نداشته باشد حج بر وی فرض نیست.

توانمندی بدنی آن است که انسان از سلامت جسمی برخوردار بوده و قدرت تحمل سختی های سفر و انجام مراسم حج را داشته باشد. بناءً حج بر معلول، پیر ناتوان و مریض که قدرت تحمل دشواری سفر حج را نداشته باشد، فرض نیست. آدم نا بینا اگر شرایط حج را داشته باشد در صورت داشتن یک کمک کننده و راهنما، بر وی فرض می گردد، اما اگر چنین کمک کننده نداشته باشد بر وی فرض نیست. **ادامه دارد**

در موجودیت یک حکومت فاسد ...

روسای جمهور در ویتنام جنوبی چون وان تیو و دیگران در فساد دست و پا می زدند و مردم ویتنام جنوبی سخت از این فساد رنج می بردند. فساد، فاصله میان فقرا و ثروتمندان را در حد وحشتناکی وسعت داده بود

وسربازان انگیزه ای برای دفاع از یک نظام فاسد نداشتند.

در مقابل در ویتنام شمالی کسانی چون هوچی من رهبر ویتنام شمالی زندگی بهتر از مردم ویتنام شمالی نداشتند. مردم ویتنام شمالی خود را در کنار رهبران خود احساس می کردند و با وجود اینکه مردم در ویتنام شمالی فقیر تر و مستمند تر بودند و جنگ هرروز مصیبت های بیشتری را بر آنان تحمیل می کرد، اما آنها مصرانه و با انگیزه مقاومت می کردند.

جنگ در ویتنام هرروز مشکلات جدیدی بر امریکا تحمیل می کرد و برای حل مشکل، رهبران قصر سفید چارهء کار را در ازدیاد نیروهای نظامی می دیدند و هرچندگاه به تعداد آنان می افزودند تا اینکه تعداد این نیروها به نیم ملیون نفر رسید. اما ازدیاد نیرو هرگز نتوانست گرهی از مشکل باز نماید. ویت کنگ های ویتنام جنوبی با شجاعت جنگیدند و سرانجام امریکائی ها مجبور شدند تا استراتژی خود را تغییر دهند و به این ترتیب برنامهء ویتنامی ساختن جنگ روی دست گرفته شد. به این معنی که مسئولیت بیشتر جنگ بدوش نیروی ویتنام جنوبی نهاده شد تا سربازان امریکائی از ویتنام خارج شوند.

ویتنامی ساختن جنگ به معنی توجه بیشتر به اردوی ویتنام جنوبی بود تا آنها بتوانند در صورت خروج نیروهای امریکائی، از ویتنام جنوبی دفاع کنند. اما امریکائی ها به این مسئله کمتر بها دادند که سربازان ویتنام جنوبی هم از میان مردمی آمده اند که از فساد حکومت سایگون در رنج اند. آنها هم از فاصله میان ثروت یک گروه کوچک و فقر توده های عظیم مردم ناراضی بودند. از سربازانی با چنین روحیه چگونه می توان انتظار داشت تا از دولتی دفاع کنند که دست اندرکاران فاسدش را مسئول فقر و بیچارگی خود و خانوادهء خود می دانند؟

در نبود یک دولت داری خوب نمی توان به ایجاد یک اردوی با روحیه و وفادار امید بست و دوری مردم از دولت موجب می گردد تا مخالفین دولت قوی تر گردند. دقیقا این کار در طول هشت سال گذشته در افغانستان اتفاق افتاده و ما در کنار ازدیاد نیروهای خارجی در کشور، شاهد گسترش ناامنی ها بوده ایم در حالیکه باید برعکس با ازدیاد نیروهای خارجی، مخالفین دچار ضعف می شدند.

وقتی یک سرباز پولیس بسوی نیروهای خارجی آتش می نشاید و عده ای را می کشد، نباید فقط به یک احتمال اندیشید که این شخص حتما با طالبان رابطه داشته است. ممکن است انگیزهء این کار وی مخالفت با فساد حکومتی باشد که خارجیان از آن حمایت می کند.

اینجاست که ازدیاد نیروهای خارجی با دولت داری در داخل رابطه می گیرد و اینکه کسانی چون جنرال ایکن بیری با ازدیاد نیروهای امریکائی در افغانستان مخالفت می کند، همین مسئله را در نظر دارد.

سوال اینست که آیا حامدکرزی در دورهء جدید حکومت خویش قادر خواهد بود تا با فساد مبارزه نماید؟ برای باورمند شدن به این پروسه باید دید که آقای کرزی با مفسدین هشت سال گذشته که گاهی در دم ودستگاهش وزیر بودند و گاهی والی و گاهی در مقامی دیگر، چه نوع برخورد خواهد داشت. آیا مفسدین گذشته مورد بازپرس قرار خواهد گرفت یا نه؟ اگر کسانی که در دورهء قبلی فساد کردند، مورد مواخذه قرار نگیرند و مجازات نشوند و با این توجیه که خارجیان هم دست در فساد داشته اند، از بازپرسی مفسدین داخلی چشم پوشی صورت گیرد، حکومت آیندهء آقای کرزی فرقی از حکومت گذشته نخواهد داشت و بعید نیست که در صورت خروج نیروهای خارجی، سرنوشت این حکومت شبیه به سقوط سایگون باشد.

بیست سال پس از فروریزی دیوار برلین



درهفتهٔ گذشته بیستمین سالگرد فروریزی دیواربرلین، برگزارگردید وچندین تن از رهبران کشورها درآن شرکت کردند.

روسای جمهور روسیه، فرانسه ونخست وزیر انگلیس یکجا با انگلا مرکل نخست وزیر آلمان درمراسم ویژه از دروازهٔ برند نبرگ که تاهنوز به عنوان سمبول دیوار برلین نگهداری می شود، [illegible]

دیوار برلین به طول ۱۵۵ کیلومتر درسال۱۹۶۱ توسط رژیم کمونستی آلمان شرقی در اطراف برلین شرقی کشیده شد. هدف ازبنای این دیوار جلوگیری از فرار شهروندان آلمان شرقی به آلمان غربی بود، گفته می شود ۱۳۶ نفرکه قصد فرار به غرب را داشتند درپای این دیوار کشته شدند.

مدودف، سارکوزی، مرکل رهبران روسیه، فرانسته وآلمان که دراین مراسم سخنرانی کردند، فروپاشی دیوار را به عنوان پیروزی آزادی مورد ستایش قرار دادند. دیواربرلین را می توان شاخصهٔ اصلی جنگ سرد نامید، این دیوار با اوج گیری جنگ سرد میان بلوک شرق وبلوک غرب بناشد وبا پایان این جنگ فروریخت.

فروپاشی دیوار برلین با جهاد مردم افغانستان دربرابر اتحاد شوروی پیوند محکم دارد. این دیوار زمانی فروریخت که سربازان اتحاد شوروی وبلوک شرق، تانگ های شکسته ولنگ لنگان ازکشورما بیرون شدند ودیگر توان حفاظفت ازنماد اسارت آزادی در اروپا ازدست داده بودند.

زمانی که رهبران کمونست آلمان شرقی چشم امید به سوی کرملین دوخته بودند وبرای پس راندن وکشتار مردان وزنانی که قصد عبور از دیوار را داشتند فرمان می گرفتند. گورباچوف آخرین رهبراتحاد شوروی دیگر روحیهٔ مداخله درکشوردیگر وجنگ دیگر را ازدست داده بود ونمی توانست برای حفاظت دیوار تصمیم بگیرد، او برای جلوگیری از فروپاشی اتحاد شوروی به سختی تقلا می کرد.

بدین صورت نهضت جهاد ومقاومت افغانستان دینی بزرگی بر جهان دارند. آنان قهرمانان اصلی فروپاشی دیوار برلین می باشند. اما جهان بجای قدردانی از این نقش مجاهدین ومردم افغانستان برای شکست آنان دست به توطیه زدند وجنگ داخلی را درکشور، راه انداختند

تعطیل بیش از حد دانشگاه ها ...

برخوردار است. طوری که دیده می شود، دولت در جهت برداشتن گام های مثمر در عرصهٔ معارف و تعلیم و تربیه تنبل و کم کار بوده است، بلکه عمداً با اتخاذ تصامیم ناسنجیده، جلو رشد معارف را گرفته است، چنان که جدایی صنف های فارسی و پشتو یکی از سیاست های تخریب کارانهٔ دولت بوده است.

امروز در افغانستان از یک معارف ضعیف که هرآن قربانی برنامه های سیاسی حکومت ها می باشد نمی توان توقع بزرگ را پیشبرد و توسعهٔ کشور داشت. امروز در افغانستان دستیابی به ثبات، آرامش و توسعه، آرزوی هر فرد کشور است. این جامعه فقط با نیروی فعال، آموزش دیده، آگاه می تواند به این اهداف نزدیک شود. نقش آموزش و پرورش و پیشرفت جامعه تعیین کننده است. چنانچه دانستون یکی از فعالان انقلاب کبیر فرانسه در اهمیت این موضوع گفته است:" بعد از نان، آموزش و پرورش و آگاهی، نخستین نیاز یک جامعه و ملت است."

با یک چنین اقدام های ناشیانه در کشور که در آن منطق و استدلال کمرنگ بوده است، نمی توان از پیشرفت سخن گفت و با آن مقابله کرد. در یک کشوری که بهترین فرصت ها به هدر می رود. معارف و دانشگاه های آن نزدیک به شش ماه در برنامهٔ تعطیلی بسر می برد. چگونه می توان امیدی برای فردا داشت؟

امروز در افغانستان این سیاست های ناکارآمد اند که برای آموزش و پرورش سمت و سو می دهند، و معارف را نیز در جهت برنامه های سیاسی خویش به کار می گیرد، در حالی که معارف باید سیاست را در خدمت خود داشته باشد، و برای سیاست استقامت های معین و مشخص تعیین کند. امید است، روزی معارف پیشرفته در کشور بتواند این خلای بازمانده در کشور را پر نماید، تا مسیر انکشاف و توسعهٔ موثر ایجاد گردد.

زمستان ومشکلات بی ...



مانند سال های پیش امسال نیز موجود بوده، احتمال آن می رود که تجربه های غم انگیز گذشته تکرار گردد.

درفصل سرما مشکلاتی زیادی وگوناگونی گریبان هموطنان ما را می گیرد که به شماری ازآن اشاره می شود:

۱: افزایش نرخ ها: وقتی آدم به بازار می رود می بیند که باگذشت هر روز نرخ ها در سراسر کشور سیر صعودی خود را می پیماید. مردم توان خریدن مواد سوخت، مانند چوب، زغال ، گاز ونفت را ندارند و یک کیلو گاز مایع در شهر به ۵۵ افغانی ویک سیر چوب به ۶۰ افغانی رسیده است.

ازآن جاییکه هیچ مرجعی وجود ندارد تا ازنرخ ها کنترول کند، احتمال آن می رود که با بیشتر شدن سردی هوا نرخ ها از این هم افزایش یابد.

دوماه پیش یک سیر چوب به ۴۰ افغانی در بازار یافت می شد، اما امروز به شست افغانی رسیده است.

در شرایطی که مردم توان خرید مواد اولیه اعم ازخوراکه وسوخت را نداشته باشند چگونه می توانند با سرما دست وپنجه نرم کنند واز جنگ مرگ وبیماری جان به سلامت برند.

بنابرین طبیعی به نظر می رسد، وقتی توان خرید نباشد، وسرما هم با تمام قهر چنگال های زهر آلود اش را به حلقوم فرو ببرد، درآن لحظات ناگوار است که مرگ آدم ها را همراهی خواهد کرد.

۲- نبود سرپناه: سرمای زمستان درحالی فرا میرسد که شماری از هموطنان ما بدون سرپناه در زیر خیمه ها وچادرهای پاره پاره زندگی می کنند. همین اکنون بی جاشدگان به علت فقر، جنگ ونا امنیی درحومه های برخی از شهرها به ویژه درکابل به حالت رقت بار در فضای باز زندگی می کنند. سال گذشته شماری در زیر همین چادر ها جان های خود را ازدست داده بودند.

۳- فقر وبی کاری: بیش از هشتاد درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند، درآمد شهروندان عادی برای تهیه ما یحتاج زمستان به هیچ صورت کفایت نمی کند، تهیه مواد سوخت دوا ولباس های زمستانی مصرف اضافی است که فقیران ناگزیراند آن را بدوش بگرند.

بی کاری باعث گردیده که شماری زیادی از خانواده ها فاقد درآمد باشند، بدون شک وقتی کار نباشد درآمد نیست ودرنبود درآمد، توان خرید اصلاً وجود ندارد ودرنهایت هیولای فقر ، حوادث طبیعی، امراض وانواع آفت ها، گلوی مردم را می فشارد واژدهای مرگ زندگی را درحلقوم خود فرو خواهد برد.

هفته نامهٔ

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً انان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی وسوم ۲۳ عقرب- ۱۳۸۸ - ۲۶ ذو القعده ۱۴۳۰ — ١٤ Nov ٢٠٠٩

نذرالله عنایت

فصل زمستان و مشکلات بی شمار مردم



در شرایطی که مردم توان خرید مواد اولیه و ضرورت اساسی و ابتدایی خویش را ندارند چگونه می توانند با سرما دست وپنجه نرم کنند واز چنگ مرگ و بیماری جان به سلامت برند

فرا رسیدن فصل سرما یک پدیده طبیعی بوده وبسیاری ازکشورهای جهان زمستان سختی را سپری می کنند. اما به دلیل آن که دارای امکانات وشرایط بهتر زندگی هستند، نه تنها از فراه رسیدن فصل سرما بیم وترسی ندارند، بلکه ازآمدن زمستان به عنوان یک تغییر دلپذیر طبیعی اظهار شادمانی می کنند.

اما به علت فقر وبی کاری، زمستان برای مردم ما فصل مشکلات، بیماری ومرگ است..

درپهلوی سایر مشکلاتی که دامنگیرمردم افغانستان است. سرمای زمستان نیز زندگی آنها را همه ساله تلخ می کند. طوریکه دیده شده در سالیان گذشته، در زمستان در گوشه وکنار افغانستان وحتی پایتخت تعداد شهروندان بی بضاعت کشوربه علت سردی، گرسنگی وبیماری جان های خود را ازدست داده اند.

آنچه که مایه نگرانی است. این که زمینه های فاجعه.

ادامه در ص۷

تعطیل بیش از حد دانشگاه ها و معارف و پیامدهای آن

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل



تعطیل دانشگاه ها، معارف و سایر مراکز آموزشی دولتی و خصوصی به بهانهٔ انفلونزای خوکی، یک سکوت سراسری را در فعالیت جریان آموزش و پرورش در کشور به وجود آورده است.

سال ۱۳۸۸ سال خوبی برای دانشگاهیان و شاگردان مکاتب نبوده. در این سال جریان دروس در دانشگاه ها به ویژه دانشگاه های پایتخت، به بهانه های مختلف تعطیل است. چنین تعطیل ها در آموزش در شرایطی بالای نوجوانان و جوانان اعمال می گردد که نسل جوان ما، نیاز مبرم به علم و دانش دارند. امروز در افغانستان فرصت ها، قربانی سیاست های روزمرگی حکومت می گردد. اکثر مردم فکر می کنند که تصمیم تعطیل موسسات تعلیمی به هدف پیشگیری از راه افتادن تظاهرات معترضان اعلان نتیجهٔ انتخابات گرفته شده است نه بخاطر انفلونزای خوکی.

در نتیجه تعطیل مکاتب و دانشگاه ها محصلانی را که از ولایات دور دست و دشوارگزار کشور در شهرهای بزرگ، به ویژه شهر کابل مصروف فراگیری علوم معارف بودند یکسره کلاس های درس خود را ترک نمودند و به اجبار روانهٔ خانه خود گردیدند. این حرکت دور از انتظار، نوجوانان و جوانان کشور را مأیوس ساخته است.

درست است که مراقبت صحت و بهداشت مردم از مسوولیت های مهم دولت است. اما بزرگ جلوه دادن یک مسأله جزیی و ایجاد ترس و وحشت در میان مردم، کار معقول و پسندیده نیست. این امر میزان کم علاقگی و کم اهمیت بودن آموزش و پرورش را در میان کارگزاران عرصهٔ پالیسی فرهنگی به نمایش می گذارد.

استادان و معلمانی که در چندین ماه برنامهٔ یک سالهٔ آموزشی و آموزش دهی ترتیب داده بودند با اعلان شیوع انفلونزای خوکی در کشور و بازتاب آن از سوی حکومت، معارف و تحصیلات عالی کشور دچار یک بی نظمی گردیده است.

برای وزارت معارف و تحصیلات عالی در ماه حوت سال روان، تراکم وظیفه و کار را به وجود خواهد آورد و در صورت ریزش برف و باران در ماه حوت، این مشکل به سال آینده موکول خواهد شد. که برنامه و اهداف آموزش و پرورش را در سال آینده مختل خواهد نمود، در حالی که کشورما در آخر جدول سطح معارف در جهان قرار دارد. تعطیل امسال ضربهٔ سنگیتی به آموزش و پرورش وارد کرد.

موضوعی که سخت درد انگیز و تأسف آور است ، این است که مسوولان و دولت مردان جامعهٔ ما، هنوز درنیافته اند که تعلیم و تربیه برای کشورما از چه اهمیتی

ادامه در ص ۷

بیست سال پس از فروریزی دیوار برلین

ص۷

د نوی حکومت په اړه پوښتنې او غوښتنې

ځپاند

د ټاکنو د تش په نامه خپلواک کمیسیون له خوا، حامد کرزی یوځل بیا د افغانستان د ولسمشر په توګه اعلان شو!

د کورنیو او بهرنیو سیاسي کړیو په کچه ددی اعلان په هکله خورا زیاتي پوښتني طرحه شوې دي لنډیزیې دا دي:

۱- په افغانستان کې د انتخاباتو په لومړی پړاو کې یو نوماند هم ونشو کولای چې اړینې رایې خپلې کړې نوځکه ټاکنې دویم پړاوته ولاړې.

۲- دویم پړاو دیو نوماند د اعتراض په وجه ترسره نشو. یادشوې نوماند، قانوني غوښتني درلودې چې د ځینو وزیرانو او چارواکو له دندو څخه په موقتی توګه لیری کیدل او د ټاکنو د کمیسیون د مشر او ځینو کار کوونکو بدلیدل وه. دا آسانه او ساده غوښتنې و نه منل شوی او زموږ نوماند دې ته چمتو نشو چې د ټاکنو په دویم پړاو کې برخه واخلی ځکه چې دا ویره موجوده وه چې په دویم پړاوکې به هم د لومړی پړاوڅخه زیاتي درغلی او سرغړونی وشي.

د ټاکنو کمیسیون بې له دې نه چې دویم پړاو ترسره شی د حکومت د نوماند د بریالیتوب دعوه وکړه سره له دې چې د تصمیم نیولو قانونی واک هم نلری، پخوانی ولسمشریې د راتلونکو پنځو کلونو لپاره د جمهور ر رئیس په توګه اعلان کړ.

خو اوس افغان ولس او هم نړیواله ټولنه دا پوښتنه لري چې اعلان شوی ولسمشر په کومو ټاکنو کې بریالی شوی او واک ته رسیدلې؟

همدارنګه څو فیصده رایه یې ترلاسه کړې؟

ټول خبر دی چې د ټاکنو په لومړي پړاوکی کرزي صاحب ونشوکولای چې لازمې رایی ترلاسه کړي نوځکه انتخابات دویم پړاوته یی ولاړ او دویم پړاو هم ترسره نشوه نو اعلان شوی ولسمشر نه د انتخاباتو په پایلوکی بریالی شوی او نه یی لازمی رایی ترلاسه کړي! نو څرنګه د افغانستان خلک او نړیواله ټولنه قانع شی چې قانونی ولسمشر دی؟ ځکه چې قانونی مشروعیت نلری. او اوس یعنی له ټاکنو نه وروسته څرنګه کولاې شی چې مشروعیت ترلاسه کړي؟ د افغانستان په دننه او بهرکی د لازم مشروعیت لپاره لارې چارې سنجول کیږی او یواځینی لاره یی د مخالف نوماند د پلویانو قناعت او په حکومت کی د هغوی پراخ او هراړخیز ګډون وی اوبس.

داسې ویل کیږي او په خبرونوکی راغلی چې بهرنیان او په تیره امریکا، برتانیه او فرانس، اعلان شوی ولسمشرته سپارښتنه کړی ده. چې مهم ټکي یی په راتلونکی حکومت کې د سیال نوماند (داکتر عبدالله) ګډون او هغه ته یوه مهمه دنده سپارل دي. د دې خبر پر بنسټ، داکتر باید اجرایی رئیس یا ارشد وزیر وی او څلور مهم وزارتونه ورته وسپارل شی چې وړکسان ورته ونوموي او...

نو د مشروعیت د ترلاسه کولو لپاره، دا یواځینی لاره ده او د ائتلافی حکومت په معنا نده او نه کرزی صاحب د خیرات په توګه، وزارتونه مخالفینو ته ورکوي او هم نه رقیب نوماند او د هغه پلویان بهرنیانو او کرزی ته د وزارتونو او لوړو څوکیو سوال کوي!

دا د وخت ضرورت ده او د مشروعیت د نشتوالی له امله، داسی اړتیا ده چې هم کرزی او هم بهرنیان نشی کولای چې ورته پام ونکړي.